

اتحادیه اروپا پس از برگزیت

بحران‌ها و سناریوها

نویسنده: علیرضا ثمودی پبله‌رود



تهران - اردیبهشت ۱۳۹۷

سرشناسه	: ثمودی پيله‌رود، عليرضا، ١٣٥٨ -
عنوان و نام پديدآور	: اتحاديه اروپا پس از برگزيت: بحران و سناريو‌ها/ نويسنده عليرضا ثمودی پيله‌رود.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ١٣٩٧.
مشخصات ظاهري	: ٢٣٦ ص: جدول.
شابک	: ٩٧٨-٦٠٠-٨٤٣٨-٢٩-٨
وضعيت فهرست‌نويسی	: فيبا
موضوع	: اروپا اتحاديه
موضوع	: European Union
موضوع	: همگرایی منطقه‌ای
موضوع	: Regional Integration*
موضوع	: کشورهای عضو اتحاديه اروپا - - ادغام اقتصادی - - جنبه‌های سياسی:
موضوع	: European Union countries - - Economic integration - - Political aspects:
موضوع	: اروپا ادغام اقتصادی
موضوع	: Europe - Economic integration
موضوع	: کشورهای عضو اتحاديه اروپا - سياست اقتصادی
موضوع	: European Union countries -- Economic policy
موضوع	: کشورهای عضو اتحاديه اروپا - ادغام اقتصادی
موضوع	: European Union countries Economic integration:
رده‌بندي کنگره	: ١٣٩٧ الف ٢٠٨ ٢٣٠٨
رده‌بندي ديویی	: ٣٤١/٢٤٢٢
شماره کتابشناسی ملی	: ٥١٧٢٦٣١

www.asnoor.ir
Email:info@asnoor.ir

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

نام کتاب: اتحاديه اروپا پس از برگزيت؛ بحران‌ها و سناريو‌ها
نويسنده: عليرضا ثمودی پيله‌رود
ويراستار: مريم حمیدی
تايپ و صفحه‌آرا: مرضيه روشن‌روان
طراح جلد: جواد حسين‌خانی
چاپ و صحافی: اندیشه‌سازان نور
نوبت چاپ: اول - اردیبهشت ١٣٩٧
شمارگان: ٥٠٠ جلد
قيمت: ٣٠٠,٠٠٠ ريال

کليه حقوق اين کتاب متعلق به مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور است.

فهرست مطالب

۱۵	 مقدمه
۲۳	 فصل اول: رهیافت‌های نظری و جایگاه اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل
۲۵	 مقدمه
۲۷	 ۱. (نو)واقع‌گرایی
۲۹	 ۱-۲. گه‌شمای وواقع‌گرایی
۳۰	 ۱-۲. واقع‌گرایی تهاجمی
۳۱	 ۱-۲. واقع‌گرا، تدافعی
۳۶	 ۲. رویکرد مدنی
۴۰	 ۳. قدرت هنجاری
۴۲	 قدرت ایده‌ها
۴۳	 برخورداری از اصول
۴۳	 اقدام‌ها
۴۴	 اثرگذاری
۴۴	 پیامدها
۴۵	 نتیجه‌گیری
۴۷	 فصل دوم: بحران‌های پیش روی اتحادیه اروپا
۴۹	 مقدمه
۵۱	 ۱. بحران یورو؛ ریشه‌ها و پیامدها
۵۳	 ۱-۱. تفاوت میان اقتصاد جنوب و شمال اروپا
۵۶	 ۱-۲. ریشه‌های شکل‌گیری بحران یورو
۶۲	 ۱-۳. سیاست‌های تدوین شده برای مهار بحران اقتصادی
۶۳	 ۱-۴. پیامدهای بحران یورو
۶۹	 ۲. شکاف‌های موجود در داخل اتحادیه اروپا
۷۲	 ۲-۱. کسری دموکراتیک
۷۵	 ۲-۲. شکاف بین نخبگان و شهروندان اروپایی
۷۸	 ۲-۳. شکاف میان شرق و غرب و شمال و جنوب اروپا
۸۱	 ۲-۴. تفاوت نگاه به موضوع هویت
۸۴	 ۲-۵. نابرابری درآمد و ثروت
۸۸	 ۳. ظهور احزاب دست راستی و همگرایی اروپایی

۳-۱. گونه‌شناسی احزاب افراطی.....	۸۹
۳-۲. دلایل ظهور احزاب افراطی.....	۹۲
۳-۳. احزاب دست راستی و گفتمان هویت.....	۹۴
۳-۴. احزاب افراطی و همگرایی اروپایی.....	۹۷
۳-۵. موفقیت‌های احزاب افراطی.....	۱۰۴
۳-۶. پیامدهای ظهور احزاب افراطی.....	۱۰۷
۴. خروج بریتانیا و همگرایی اروپایی.....	۱۰۹
۴-۱. رویکرد بریتانیا به همگرایی اروپایی.....	۱۱۰
۴-۲. پیامدهای خروج بریتانیا از اتحادیه.....	۱۱۱
۵. بحران مهاجرت و تروریسم در اتحادیه اروپا.....	۱۲۱
۵-۱. پیامدهای ورود مهاجران به اتحادیه اروپا.....	۱۲۳
چالش‌های اقتصادی، بحران مهاجرت.....	۱۲۴
چالش‌های سیاسی بحران مهاجرت.....	۱۲۶
۶. سیاست‌های تنه‌ی رویه در قبال اتحادیه اروپا.....	۱۳۳
۶-۱. دلایل بروز بحران، میان ماکو و بروکسل.....	۱۳۷
۶-۲. تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه.....	۱۳۹
نتیجه‌گیری.....	۱۴۲
فصل سوم: رویکردهای نظری به همگرایی و واگرایی اروپایی و سناریوهای پیش روی اتحادیه اروپا ۱۴۵	
مقدمه.....	۱۴۷
۱. همگرایی و فروپاشی اتحادیه اروپا و رویکردهای نظری.....	۱۴۹
۱-۱. فدرالیسم.....	۱۵۱
۱-۲. (نو)کارکردگرایی.....	۱۵۳
۱-۳. نظریه ارتباطات.....	۱۵۵
۱-۴. (نو) واقع‌گرایی.....	۱۵۷
۱-۵. سازه‌نگاری.....	۱۶۰
۱-۶. نهادگرایی روابط بین‌الملل.....	۱۶۴
۱-۷. نهادگرایی نولیبیرال.....	۱۶۵
۱-۸. نهادگرایی تاریخی.....	۱۶۸
۱-۹. حکومت‌گرایی کلاسیک.....	۱۶۹
۱-۱۰. جماعت‌گرایی.....	۱۷۰
۱-۱۱. نظریه افول و سقوط امپراتوری‌ها.....	۱۷۴
۱-۱۲. شکل‌گیری مجدد واحد سیاسی.....	۱۷۸
۲. سناریوهای پیش‌روی اتحادیه اروپا.....	۱۸۶

۲-۱. فروپاشی جزئی.....	۱۸۷
۲-۲. همگرایی جزئی.....	۱۹۱
۲-۳. همگرایی کامل.....	۱۹۵
۲-۴. فروپاشی کامل.....	۱۹۷
۳. سناریوهای مطرح شده از سوی کمیسیون اروپا.....	۲۰۲
۳-۱. سناریوی اول: ادامه مسیر فعلی.....	۲۰۲
۳-۲. سناریوی دوم: هیچ چیز به جز بازار واحد.....	۲۰۴
۳-۳. سناریوی سوم: همکاری بیشتر میان برخی اعضا.....	۲۰۶
۳-۴. سناریوی چهارم: همکاری کمتر، اما کارآمدتر.....	۲۰۸
۳-۵. سناریوی پنجم: تعمیق همکاری‌ها میان اعضا.....	۲۱۰
جمع‌بندی پایانی.....	۲۱۲
منابع و مآخذ.....	۲۲۷

www.ketab.ir

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم، طرح‌های زیادی برای ایجاد وحدت در اروپا مطرح شد تا اینکه طرح موسوم به «پیمان» ذغال و فولاد اروپا^۱ از میان این طرح‌ها توانست نظر دولت‌مردان اروپایی را به خود جلب کند. با انعقاد «پیمان پاریس» بنیان همگرایی اروپایی پی‌ریزی شد. این «پیمان» صنایع ذغال و فولاد را از حیطه مدیریت ملی خارج کرد و آن را تحت رهبری یک نهاد فراقلمی قرار داد. موفقیت این طرح به‌حدی بود که توانست نگاه سران کشورهای اروپایی را به سمت همگرایی هرچه بیشتر و تقویت همکاری‌های اقتصادی جلب کند. در سال‌های پس از این طرح نیز پیمان‌های دیگری در زمینه مسائل متنوعی همچون ایجاد بازار مشترک، حذف و از میان برداشتن تعرفه‌های تجاری، تأسیس بانک مرکزی اروپایی، ایجاد سیاست مشترک کشاورزی و ایجاد سیاست مشترک پولی (یورو)، سیاست خارجی و امنیتی مشترک، سیاست دفاعی و امنیتی مشترک به‌تصویب رسید. پیمان‌هایی همانند پیمان رم، پیمان ادینام، سند واحد اروپایی، پیمان ماستریخت، پیمان آمستردام، پیمان نیس و پیمان لیسبون هر یک گامی رو به جلو در همگرایی اروپایی محسوب می‌شود. می‌توان گفت اتحادیه اروپا روند مجزای همگرایی اقتصادی و همگرایی سیاسی را در دهه‌های اخیر داشته است؛ بدین معنی که هرچه در روند همگرایی اقتصادی موفق بوده و موجب افزایش توان اقتصادی اعضا و اتحادیه شده است، در زمینه همگرایی سیاسی با وجود تلاش‌های صورت گرفته در زمینه ایجاد سیاست‌های مشترکی همچون سیاست خارجی و امنیتی مشترک و نیز سیاست دفاعی و امنیتی مشترک، چندان نتوانسته است به‌حد بالایی از همگرایی سیاسی و امنیتی دست پیدا کند. اگرچه باید به این موضوع نیز اشاره کرد که بروز

^۱. European Coal and Steel Community

بحران اقتصادی در سال ۲۰۰۸ موجب شکل‌گیری اختلاف میان دولت‌های عضو و نوعی واگرایی در اتحادیه اروپا شده است.

در یک چشم‌انداز فراگیر شاید بتوان وجوه اهمیت اتحادیه اروپا را چنین برشمرد: نخست، اتحادیه اروپا بر زندگی اجتماعی و وضعیت اقتصادی بسیاری از شهروندان اروپایی تأثیر به‌سزا و شگرف برجای گذاشته است. ایجاد بازار اقتصادی واحد در درون اتحادیه به معنای آن است که بسیاری از شرکت‌های اروپایی می‌توانند عملیات اقتصادی و تجاری و جابه‌جایی پول، سرمایه و خدمات خود را با تسهیلات ویژه‌ای انجام دهند. دوم، اتحادیه اروپا را باید پروژه صلح در اروپا دانست، بدین معنا که آغاز فرایند همکاری اروپا، نقطه پایانی برای جدال‌های ژئوپلیتیک سنتی آلمان و فرانسه به‌شمار می‌آید، جدال‌هایی که با وحدت آلمان در ۱۸۷۰ آغاز و پس از پشت سرگذاشتن دو جنگ جهانی اول و دوم در ۱۹۴۵ به پایان رسید. سوم، اتحادیه اروپا، سازمانی منطقه‌ای با نفوذی جهانی است که نمونه آن را می‌توان در حضور اتحادیه در بسیاری از بحران‌های فرامنطقه‌ای و نزاع‌ات گسترده تجاری با قدرت‌های بزرگ اقتصادی در جهان نظیر آمریکا، چین، هند، برزیل، ژاپن و روسیه مشاهده کرد. وجه چهارم، سرشت خاص اتحادیه اروپا است. اتحادیه اروپا ترکیبی از نهادهای بین‌الدولی، ارتباطات فراملی و نظام‌های حکومتی را در خود جای داده است. باید دلیل ممتاز بودن این اتحادیه و جلب توجه بیشتر نظریه‌پردازان بین‌المللی به این پدیده، همین موضوع باشد.^۱ می‌توان گفت اعضای اتحادیه اروپا بخش قابل توجهی از انبساط حکومتی خود را در قالب این پیمان‌ها و سیاست‌های مشترک به این سازمان مسعفه‌ای واگذار کرده‌اند. البته سرشت قدرت اتحادیه در عرصه‌های مختلف متفاوت است. در برخی حوزه‌ها، اتحادیه اروپا همچون یک فدراسیون یا کنفدراسیون است و در برخی حوزه‌های دیگر هنوز هم دولت‌های عضو تصمیم‌گیرنده اصلی هستند.

اتحادیه اروپا در موضوع عضویت رسمی در سازمان‌های بین‌المللی نقش و سهم بسیار مهمی بر عهده دارد، حتی برخی از منتقدان، عضویت این تعداد دولت اروپایی را بیش از حد مجاز و مطلوب می‌دانند. به عنوان مثال، تقریباً نیمی از اعضای سازمان

۱. سید حسن میرفرخایی، اتحادیه اروپا و بحران مالی: روندها و چشم‌انداز، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۱۳۹۴، ۳۱، صص ۲۰-۲۱.

امنیت و همکاری اروپا^۱ از اعضای اتحادیه اروپا هستند. اتحادیه اروپا در سازمان ملل متحد عضو ناظر دائم است و می‌توان گفت اتحادیه اروپا در برخی سازمان‌ها دارای ۲۸ عضو است، آن‌هم به این خاطر که افزون بر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا، اتحادیه خود نیز به عنوان یک عضو کامل و مستقل محسوب می‌شود. این موضوع در مورد سازمان فائو و سازمان تجارت جهانی نیز صادق است. اتحادیه اروپا کنشگری است که توانسته است شکلی منحصر به فرد از همکاری را میان دولت‌های اروپایی ایجاد کند. بنیان‌گذاران اتحادیه اروپا امیدوار بودند با واگذاری حاکمیت دولت‌های ملی به یک قدرت مرکزی، بتوانند، سرعت همگرایی و وابستگی متقابل را افزایش دهند. اتحادیه اروپای امروزی از سازمان الزام‌آور تشکیل شده است که هم ویژگی‌های یک موجودیت فراملی را دارد و هم ویژگی‌های یک سازمان بین‌حکومتی را داراست. این اتحادیه همواره تلاش کرده است به یک‌سان‌سازی قوانین مختلف پردازد و در حوزه‌های مختلف، سیاست‌های مشترکی تدوین و اجرایی کند. اتحادیه اروپا دارای یک اتحادیه گمرکی، یک بازار واحد (که در آن کالا، خدمات، مردم و سرمایه به‌طور آزادانه حرکت می‌کنند)، یک سیاست تجاری و کشاورزی، بانک و پول واحد است. سیاست‌مداران اروپایی پروژه همگرایی اروپایی را به یک دوچرخه تشبیه می‌کنند که برای اجتناب از سقوط باید به حرکت خود ادامه دهد.

اتحادیه اروپا در شرایط کنونی با فشارهای زیادی مواجه است. رشد اقتصادی آرام، بیکاری مستمر و ظهور احزاب افراطی و احزاب سیاسی مخالف بر روی همگرایی در کشورهای اروپایی موجب بروز بحران‌های بسیاری برای اتحادیه اروپا شده است. این اتحادیه، دارنده بزرگ‌ترین بازار واحد جهان و دومین ارز بزرگ جهان است. این اتحادیه بزرگ‌ترین قدرت تجاری و اهدا کننده کمک‌های انسانی و توسعه‌ای در سطح جهان نیز محسوب می‌شود. اتحادیه اروپا با تدوین برنامه افق ۲۰۲۰، بزرگ‌ترین برنامه پژوهشی چند ملیتی در حوزه علم و فناوری را به مرحله اجرا گذاشته است. اتحادیه اروپا در میان نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی موقعیتی خاص و ممتاز دارد. در حقیقت، اتحادیه اروپا نه سازمانی بین‌الدولی و نه نهادی فراملی است، بلکه با هدف رسیدن به اروپای متحد، ترکیبی از نهادهای بین‌الدولی و فراملی را در خود جای داده

۱. Organization for Security and Cooperation in Europe

است. این اتحادیه موفق شده است تا در قاره‌ای که به واسطه دو جنگ جهانی اول و دوم و نیز جنگ سرد چند پاره شده بود، گام‌های مهمی را در مسیر انسجام و برقراری صلح و وحدت اروپایی بردارد. افزون بر آن، این اتحادیه با بازسازی اقتصادی خود، هم‌اکنون به عنوان یک قطب اقتصادی قدرتمند مطرح است.

تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۶ در حدود ۱۲,۲۶ تریلیون یورو بود که در سال ۲۰۱۶ به ۱۴,۸۲ تریلیون یورو رسید. سهم جهانی اتحادیه اروپا در تولید ناخالص داخلی اگرچه در سال ۲۰۱۰ در حدود ۱۸,۹۱ درصد بود، این رقم در سال ۲۰۱۷، ۱۶,۴۶ درصد رسید و در سال ۲۰۲۰ به ۱۵,۶ درصد خواهد رسید. در سال ۲۰۰۶ نرخ بیکاری در اتحادیه اروپا، ۸,۲ درصد و در حوزه یورو ۸,۴ بود، این ارقام در سال ۲۰۱۶ به ترتیب ۸,۵ و ۱۰ درصد است. واردات اتحادیه در سال ۲۰۱۶ نزدیک به ۱۷۰۶ میلیارد یورو بود است، در حالی که صادرات اتحادیه ۱۷۴۵ میلیارد یورو بوده است. نرخ تورم در سال ۲۰۱۷ در حوزه یورو ۱,۶۹ و در اتحادیه اروپا ۱,۸۱ بوده است و در سال ۲۰۲۰ در سطح اتحادیه اروپا ۱,۹۱ و در حوزه یورو ۱,۷۷ خواهد بود. همچنین نرخ میانگین بیکاری در ماه مه ۲۰۱۷ در اتحادیه اروپا ۷,۸ درصد بوده است. اتحادیه اروپا در سال ۱۹۰۰، ۲۵ درصد جمعیت جهانی در سال ۱۹۶۰، ۱۱ درصد و در سال ۲۰۱۵، ۶ درصد جمعیت جهان را در اختیار دارد، اما در سال ۲۰۶۰، ۴ درصد جمعیت جهان را تشکیل خواهد داد. جمعیت اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷ نزدیک به ۵۱۲ میلیون نفر است و هیچ یک از دولت‌های عضو بیش از یک درصد جمعیت جهان را در اختیار نخواهد داشت. همچنین این پیش‌بینی می‌شود که قدرت اقتصادی نسبی اروپا نیز رو به کاهش خواهد رفت و تنها کمتر از ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی را در سال ۲۰۳۰ در اختیار خود خواهد داشت که کمتر از ۲۲ درصد سهم فعلی اتحادیه است.^۱ با این حال، باید این موضوع را نیز در نظر داشت که تثبیت صلح در قاره اروپا، شرایط را برای شکوفایی بی‌سابقه در این قاره فراهم ساخت. اما برنده شدن جایزه صلح توسط اتحادیه اروپا نمی‌تواند تضمین‌کننده صلح اجتماعی در زمانه بحران اقتصادی، امنیت داخلی در زمانه تروریسم و یا حفاظت از مرزهای خارجی باشد.

۱. European Commission b, White Paper on the Future of Europe, Reflections and Scenarios for the EU ۲۷ by ۲۰۵۰, ۲۰۱۷, pp, ۸.

همگرایی اروپایی هم اکنون با چالش‌های زیادی روبه‌روست. این چالش‌ها عبارتند از: عدم قطعیت اقتصادی، ضعف نهادی و نبود رهبری مشروع، شفاف و کارآمد، ظهور نیروهای پوپولیست ملی، ورود مهاجران از غرب آسیا و شمال آفریقا، افزایش بنیادگرایی مذهبی، چالش‌های ایجاد شده بر اثر تحولات و البته بی‌نظمی‌های جهانی و جایگاه نامشخص اروپا در موازنه قدرت اقتصادی و ژئوپلیتیکی. یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی اتحادیه اروپا، چگونگی کنار آمدن با خروج بریتانیا از این مجموعه است. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا می‌تواند پیامدهای قابل توجهی برای پروژه همگرایی اروپا داشته باشد. در واقع، موضوع‌های مهمی همچون بحران اقتصادی در کشورهای عضو، ثبات حوزه یورو، مقابله با فشار ناشی از ورود مهاجران به کشورهای اروپایی، رقابتی با یک روسیه قدرت یافته و مقابله با بحران تروریسم، و قدرت‌یابی احزاب راست‌گرای، اتحادیه اروپا را در شرایط دشواری قرار داده است. پروژه همگرایی اروپا در این عنوان مسیری برای تقویت نفوذ و اهرم قدرت سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی در نظر گرفته شده است. با این حال، تنش‌هایی نیز میان دو تفکر موجود در داخل اروپا در جریان بوده است: یک نگاه خواستار «اتحادیه همگراتر» از طریق افزایش همکاری‌های عمیق‌تر است و نگاه خواستار اتحادیه‌ای بین حکومت‌گرا با هدف حفظ اهمیت ملی کشورها است. از سوی دیگر، تاریخ و جغرافیای متفاوت کشورها نیز بر اوسویت^۱ دولت‌های عضو اثر می‌گذارد. به عنوان مثال، گسترش اتحادیه اروپا به شرق موجب شده است تا کشورهایی که دارای حافظه تاریخی منفی نسبت به شوروی سابق هستند، با گسترش و تعمیق همکاری میان اتحادیه اروپا و روسیه مخالفت کنند. از سوی دیگر، کشورهای جنوب اروپا به دلیل برخورداری از منافع اقتصادی و سیاسی در شمال آفریقا، توجه بیشتری به این مناطق می‌کنند.

همچنین درباره این موضوع که آیا می‌توان اتحادیه اروپا را به عنوان یک بازیگر در عرصه بین‌المللی تلقی کرد یا نه، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. از یک سو، مفهوم بازیگر و کنشگری^۱ در نظام بین‌المللی محل بحث و اختلاف است و از سوی دیگر، سرشت پیچیده و بعضاً متناقض اتحادیه اروپا بر دشواری یافتن پاسخ دقیق

به مساله افزوده است. به‌طور کلی، می‌توان گفت اصطلاح بازیگر و کنشگر به‌موجودیت‌هایی اطلاق می‌شود که قادر به‌اثرگذاری در سطح بین‌المللی باشند و به عنوان عنصر و بخشی از نظام سیاسی بین‌المللی مورد توجه قرار بگیرند. البته برای این که بتوان یک موجودیت را به عنوان یک بازیگر در سیاست جهانی در نظر گرفت، باید به‌معیارهای دیگری نیز توجه شود. به عنوان نخستین معیار می‌توان گفت که یک کنشگر باید به لحاظ خارجی مستقل باشد. این امر بدین معناست که باید به لحاظ خارجی مستقل عمل کند و کنش‌های آن توسط سایر کنشگران و محیط خارجی محارَد نشود. دوم، کنشگرانی همچون اتحادیه اروپا افزون بر اینکه باید از محیط خود مستق باشند، باید از اجزای تشکیل‌دهنده خود قابل تمیز و تشخیص باشند. سوم، یک کنشگر باید دارای صلاحیت‌های لازم برای کنشگری باشد و از جانب اعضای خود بتواند تصمیم‌های مربوط بگیرد. نکته چهارم، این کنشگر باید بتواند اولویت‌های سیاسی خود را تعیین و سیاست‌های منسجم داخلی را تدوین کند. تحقق این معیار مستلزم وجود سطحی از انسجام در فرایند تصمیم‌گیری‌هاست. نکته مهم دیگر این است که کنشگری نیازمند دسترسی داشتن به ابزارها و منابع کافی و البته توانایی لازم در استفاده از این ابزارها و منابع است. به عنوان نمونه، منابع بودجه‌ای، توانمندی‌های دیپلماتیک و ابزارهای سیاسی برای اعمال فشار بر سایر کنشگران از جمله این ابزارها محسوب می‌شوند. معیار آخر نیز شناسایی خاص و وانمندی مذاکره است. شناسایی خارجی به‌پذیرش و تعامل سایر کنشگران به یک محدودیت اشاره دارد. در مجموع، می‌توان گفت برای اینکه بتوان یک موجودیت را به عنوان یک کنشگر بین‌المللی شناخت باید مجموعه‌ای از معیارهای داخلی و خارجی را در نظر گرفت. تحقق این معیارها تا حدودی چالش‌برانگیز است، زیرا باید سطح بالایی از استقلال، انسجام و توانمندی‌های سیاسی وجود داشته باشد. در نتیجه، بسیاری از صاحب‌نظران این استدلال را مطرح می‌کنند که ساختارهای داخلی و موانع موجود مانع تبدیل‌شدن اتحادیه اروپا به یک کنشگر بین‌المللی خواهد شد.

همچنین برخی معتقدند که نبود قابلیت‌های سیاسی و نظامی و همچنین بی‌میل بودن دولت‌های عضو برای اعطای اقتدار خود در حوزه سیاست خارجی و دفاعی به اتحادیه اروپا، اساساً مانع آن می‌شود که این اتحادیه بتواند یک نقش فعال و اثبات در

عرصه بین‌المللی در قالب سیاست خارجی واحد ایفا کند. برخی دیگر قائل به بازیگری اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر واحد در عرصه بین‌المللی تنها در زمینه تجارت و محیط زیست و یا موضوع‌های مرتبط با قدرت هنجاری اتحادیه اروپا از جمله حقوق بشر، حاکمیت قانون و یا تثبیت دموکراسی هستند و در همین راستا نیز معتقدند که این مسأله ربطی به سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپایی ندارد و در این حوزه نمی‌توان از اروپای واحد به عنوان یک بازیگر در عرصه بین‌المللی سخن گفت. در مقابل این دیدگاه، برخی نویسندگان استدلال می‌کنند که اتحادیه اروپا در نتیجه تدوین سیاست خارجی و امنیت مشترک خود به جایگاه یک بازیگر در نظام بین‌المللی دست یافته است و با توجه به معیار موجود در این زمینه می‌توان آن را یک بازیگر قلمداد کرد. نمونه مورد اشاره این گروه از نویسندگان نیز رویکرد یکدست و منسجم اتحادیه اروپا در قبال برنامه هسته‌ای ایران است. به عنوان مثال، آنها به این موضوع اشاره می‌کنند که از زمان مطرح شدن برنامه هسته‌ای ایران در آگوست ۲۰۰۲ سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه و پس از آن با اضافه شدن نماینده مالی اتحادیه اروپا در حوزه سیاست خارجی، این اتحادیه توانسته است رویکرد منسجم از خود نشان دهد. همچنین حمایت یکپارچه آنها از تصویب قطعنامه بر ضد جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت و یا حمایت قاطع اتحادیه از توافق برجام با و حرد، تعزاتی‌های ایالات متحده آمریکا، همگی بیانگر این واقعیت است که اتحادیه اروپا توانسته به جایگاه یک کنشگر قابل اعتنا در عرصه بین‌المللی تبدیل شود.

در کتاب پیش رو تلاش شده است تا ضمن اشاره به جایگاه اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل، بحران‌های پیش روی آن مورد توجه قرار بگیرد؛ بحران‌هایی که در جبهه شده است علامت سوال بزرگی در خصوص بقا و یا فروپاشی اتحادیه اروپا به‌طور جدی مطرح شود. همچنین سناریوهای موجود در این زمینه با استفاده از نظریه‌های مطرح در حوزه همگرایی در اختیار خوانندگان قرار خواهد گرفت.